



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رتال جامع علوم انسانی

آیت اللہ العظمیٰ حاج سید علی موسوی بہبہانی

(رضوان اللہ علیہ)

## ولادت و تحصیلات

در سال ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۳ هـ ق در خانواده‌ای از سادات اصیل و نجیب بهبهان که از دیر باز نزد عموم طبقات به شرافت و پاکی معروف بودند، به دنیا آمد. پدر بزرگوارش مرحوم آقا سید محمد فرزند سید علی نیز از علمای آن شهرستان بود پس از رشد و نمو کافی، به تحصیل علوم دینی پرداخت و از محضر مدرّسان بزرگوار بهبهان همچون آقا میرزا محمد حسن بهبهانی (م ۱۳۲۰ ق) و آقا شیخ عبد الرسول بهبهانی و آیت الله آقا سید محمد ناظم الشریعه بهبهانی دروس مقدماتی و سطوح را فرا گرفت. او حافظه‌ای بسیار قوی داشت و همیشه دورترین مسائل و قدیمی‌ترین مطالب، در خاطرش بود. ذکای طبع توگونی که لوح محفوظ است که ذره‌ای نبسود جایز اندر او نسیان

در اواخر سال ۱۳۲۷ ق در حالی که مجتهد متجرب بود و قدرت استنباط برخی از احکام را داشت برای تکمیل اندوخته‌های علمی خویش به نجف اشرف سفر کرد و در حوزة نجف شش سال با جدّیت تمام به دروس این اساتید حاضر شد: آیات عظام: آخوند محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، آقا سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ق) و آقا سید محسن کوه کمری تبریزی. ایشان بیشتر تحصیلاتشان را در نجف از محضر مرحوم کوه کمری - که از شاگردان برجسته و وارث حوزة درسی آیت الله آقا شیخ هادی تهرانی (م ۱۳۲۱ ق) بود - فرا گرفتند.

معظم له با اینکه بیش از ۲۴ بهار از عمرش نگذشته بود به مقامات عالیۀ علمی نایل آمد و با اخذ اجازه از اساتید، به زادگاه خود مراجعت کرد.

آیت الله بهبهانی در بازگشت به وطن مألوف خود به تدریس مشغول می شود و به دلیل تواضع علمی از تدریس ابتدایی ترین کتب درسی حوزه نیز استنکاف نمی ورزد. وی پس از ازدواج مجدداً در سال ۱۳۲۹ق به نجف اشرف باز می گردد و به تدریس می پردازد اما کسالت مزاج و نامساعد بودن هوا مجبور می کند که پس از يك سال توقف در نجف بار دیگر به بهبهان مراجعت کند و مدت هفت سال دیگر به امور شرعی مردم و تدریس اشتغال ورزد. در سال ۱۳۳۸ق به درخواست گروهی از افاضل درس استادش (آیت الله سید محسن کوه کمری) برای سومین بار به نجف می رود اما بیماری همسر و مشکلات دیگر مانع اقامت دایمیش در نجف می گردد لذا از سال ۱۳۳۹ق در رامهرمز اقامت می کند و در سال ۱۳۶۲ق که به قصد زیارت ائمه طاهرين به عتبات عالیات مشرف می شود، به تقاضای مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی<sup>۱</sup> در کربلا اقامت می گزیند و مدت دو سال به تدریس خارج فقه و اصول می پردازد و نخستین اثر علمی خویش را به نام مصباح الهدایه در این شهر مقدس تألیف می کند، پس از آن مجدداً به نجف سفر کرده و در آنجا يك سال و چند ماه اقامت می نماید و خارج فقه را تدریس می کند.

در سال ۱۳۶۵ق اهالی رامهرمز با ارسال تلگراف و نامه و طومارهای متعددی به ایشان و آیت الله العظمی حاج سید ابو الحسن اصفهانی، درخواست می کنند که معظم له به رامهرمز برگردند؛ به دنبال این درخواستها آیت الله اصفهانی از ایشان خواستند که به تقاضای آنان جواب مثبت دهد، ایشان نیز برای دومین بار عازم رامهرمز شده و این بار به مدت پنج سال در آنجا اقامت گزیدند.

در سال ۱۳۷۰ به علت عروض کسالت و توصیه پزشکان در اهواز رحل اقامت افکنده و ضمن تشکیل حوزه درسی به تدوین فقه و اصول پرداختند.

مردم دانش دوست اصفهان که از فضل و شهرت آیت الله بهبهانی آگاه شده بودند از ایشان دعوت کردند که به اصفهان سفر کنند و در آنجا سکونت گزینند؛ لذا از سال

.....  
۱ - آیت الله قمی در آن زمان در پی اعتراض به کشف حجاب در کربلا به حال تبعید به سر می برد (رک: مجله نور علم دوره دوم، ش ۱، ص ۸۳ - ۹۴).

۱۳۸۶ق به بعد، سالی شش ماه در اصفهان و شش ماه (ایام پاییز و زمستان) در اهواز اقامت اختیار کردند. در اصفهان علاوه بر تدریس و جواب استفتاها و حل مشکلات مردم، نماز ظهر و عصر را در مسجد شیخ لطف الله و پس از چندی در مسجد سید و از سال ۱۳۹۰ق به بعد در مسجد امام (مسجد شاه سابق) اقامه می‌کرد. همچنین از این سال به بعد صبحهای ماه مبارک رمضان در مسجد رضوان اقامه جماعت می‌کردند.

### نظری به مقام علمی استاد

عده‌ای از دانشمندان، برای ارتقای علمی دانش پژوهان عواملی را مؤثر دانسته‌اند؛ از جمله شافعی گوید:

أَخِي لَنْ تَنَالَ الْعِلْمَ إِلَّا بِسِتَّةِ

سَانِيَتِكَ عَنْ تَفْصِيلِهَا بَيَانِ

ذِكَاةٍ وَحِرْصٍ وَاجْتِهَادٍ وَتُلْفَةٍ

وَإِزْشَادٍ أَسْتَاذٍ وَطَوَّلُ زَمَانٍ<sup>۲</sup>

وآیت الله بهبهانی نیز این خصایص و عوامل را دارا بوده و در حوزه‌های علمیه موقعیتی ممتاز داشت.

در این خصوص استاد سید علی شفیعی می‌نویسد:

وی به حق از فقهای طراز اول وقت و از مراجع جامع الشریط و جامع معقول و منقول بود که همه کس به آن اعتراف داشت. او در تمام علوم متداول (لغت، صرف و اشتقاق، نحو و علوم بلاغت، کلام، تفسیر، فقه و اصول و حکمت) نه متبحر و آگاه بلکه مجتهد و صاحب نظر بود و لذا در هر علمی که بحث می‌کرد و با آرای هر صاحب نظری در هر فنی که مواجه می‌شد برخورد محققانه و صاحب نظرانه می‌نمود و تألیفاتش در زمینه‌های یاد شده حاکی از صدق این مدعاست.

علامه جلیل سید عباس حسینی کاشانی در خصوص مقام علمی ایشان می‌گوید:

.....

۲ - انوار الادب فی شرح ازهار العرب، ص ۳۲.

ایشان مجموعه‌ای در فرد بود، کلمه جامع المعقول والمنقول را که متعارف است وخیلیها را با آن توصیف می‌کنند دربرخی مجازی است ولی در باره ایشان واقعاً يك حقیقت بود.

ایشان افزود: آیت الله شیخ محمد رضا اصفهانی که خود دارای رساله عملیه بود - آیت الله حکیم (ره) می‌فرمود: من در تلاشم او را از کربلا به نجف (برای بهره‌وری بیشتر حوزه از ایشان) منتقل کنم - در درسهای آقای بهبهانی شرکت می‌کرد و معتقد بود که در دوست سال اخیر مانند میر سید علی بهبهانی کسی نیامده است.

معظم له در اصول فقه همچون استادش سید محسن کوه کمری و استاد استادش علامه شیخ هادی تهرانی سخت به قاعده مقتضی و مانع عقیده داشت و از آن دفاع می‌کرد و مبنای خود را فقهاً و اصولاً بر این قاعده استوار نموده و کلیه اصول لفظیه و عملیه را بدان قاعده ارجاع می‌داد و آن را اصل اینها می‌دانست و قاعده اول و دوازدهم کتاب قواعد الکلیه خود را بدان اختصاص داده و در اولی به اثبات این قاعده و در دومی به دفاع از آن پرداخته است؛ نیز در سایر کتب و مباحث درسی خود آن را اساس قرار داده و قاطعانه قول علامه نایینی را که می‌فرمود: «احراز مقتضی و اثبات مقتضی احتیاج به وحی دارد»، رد کرده و می‌گفت: این کار ابداً نیازی به وحی و علم غیب ندارد.

توضیح و بیان آراء اصولی و فتاوای فقهی وی از حوصله اختصار خارج است. در کلام و حکمت، آراء خاصی داشت که بخشی از آن در جزوه «التوحید الفائق فی معرفه الخالق» به قلم وی مسطور است. درباره اصالت وجود یا ماهیت، وجود ذهنی، قاعده بسیط الحقیقه کل الاشياء، سنخیت علت و معلول، نظرات خاصی داشت که بخشی از آنها در کتب و یادداشت‌های شاگردانش موجود است.

### ارزشهای اخلاقی

لِسَانِي عَنْ إِحْصَاءِ فَضْلِكَ قَاصِرٌ  
وَفِكْرِي عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِكَ حَائِرٌ<sup>۳</sup>

.....

۳ - از اشعار آیت الله کاشف الغطاء در مدح علامه بحر العلوم - رضوان الله علیهما -

وی از تعینات صوری به تمام معنی وارسته بود، در نجف اشرف هنگامی که وارد مدرسه می‌شد طلاب مبتدی اشکالات خود را بر وی عرضه داشته و ایشان در کمال تواضع مشکلات آنان را حل می‌کرد و گاه خود با طرح سؤالی آنان را به تلاش و کوشش بیشتری برمی‌انگیخت و اگر به پاسخ سؤال نمی‌رسیدند خود با بیانی رسا و ملایم و در کمال ملاحظت و مهربانی جواب سؤالات را می‌دادند و با اینکه مکرراً بعضی، ایشان را از انس با طلاب مبتدی منع می‌کردند مع الوصف توجهی نکرده و مبتدیان را مشمول فیوضات خویش قرار می‌داد.

وی هرگز در مقام تحمیل آراء و افکار خود نبود؛ پس از تشریح و توضیح و دفاع از آنها تا سرحد وضوح بحث و گفتگو می‌کرد و سپس سکوت می‌فرمود مگر اینکه باز هم طرف مقابل سؤال و استفسار می‌نمود حتی در جلسه‌ای در مشهد مقدس در منزل مرحوم آیت الله میلانی - قده - که مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی و مرحوم آیت الله سید احمد زنجانی و جمعی دیگر از روحانیون و زائران نیز حضور داشتند مسئله‌ای فقهی مطرح گردید، هر یک از آن اعاظم اظهار نظری فرمودند، استاد بکلی ساکت بود و تا آخر نیز به سکوت خویش ادامه داد و سپس در راه مراجعت به منزل نظر خود را که کاملاً با نظر آنان فرق داشت (به جهت اختلاف در مبنا) برای یکی از شاگردانش بیان فرمود. ضمناً در تابستانهایی که استاد به مشهد مقدس سفر می‌کرد سخت مورد تجلیل و تقدیس فراوان مرحوم آیت الله میلانی بود، چه میان آنان از کربلا از عصر مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی - قده - رابطه مودت برقرار بوده و آن مرجع عظیم (آیت الله میلانی) از مقام علمی این مرجع عالیقدر (آیت الله بهبهانی) آگاهی کامل داشت.

لحن و لسان استاد نسبت به علما و اکابر بسیار مؤدبانه و متواضعانه بود، حتی به هنگام ردّ اقوال و یا خدشه در آرای دیگران نیز همواره دو اصل ادب و تواضع را رعایت می‌فرمود و از ستیزه و مجادله در حین درس و بحث پرهیز داشت هرگز نظر خود را به دیگران تحمیل نمی‌کرد معمولاً آغاز به سخن گفتن نمی‌نمود و بیشتر گفته‌های ایشان در جواب سؤالات افراد ایراد می‌شد و سکوت و بردباری وی ضرب المثل بود، آنگاه سخن می‌گفت که لازم و ضروری می‌نمود و لذا سخنانش بجا و بیخه و حساب شده و روی علم و حکمت بود و گفتار خود را با امثال و اخبار و تواریخ معتبر تأیید می‌نمود و شمرده و فشرده سخن می‌گفت؛ با اینکه از نظر علمی در سطح بالایی قرار داشت با مخاطبین به اندازه علم و عقولشان

صحبت می‌کرد و اگر کتابی را برای افراد متوسط اجتناع تألیف می‌کرد عبارات را ساده و قابل فهم می‌نوشت.<sup>۴</sup>

بسیار ساده‌زیست بود، لباسش ساده، سفره و غذایی ساده داشت، به هنگام مواجهه با افراد، احترام همگان را حفظ می‌کرد با وجود ضعف کلی، خصوصاً در اواخر عمر، در مقابل واردین ازجا برمی‌خاست و متواضعانه به گفتار و درد دل آنان گوش می‌داد مخصوصاً اگر از طبقات محروم اجتماع بودند.

حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای علی دوانی می‌نویسد: مکرر دیده بودم که در روزهای عید، استاندار و امرای ارتش و دیگر مقامات خدمتشان می‌رسیدند و ایشان در عین اینکه احترام همه را نگاه می‌داشتند، چنان لاقید بودند که اگر با فقیری سخن می‌گفتند پس از لحظه‌ای مجدداً رو به فقیر نموده مدتی با وی صحبت می‌کردند و خلاصه طوری رفتار ایشان طبیعی بود که هیچکس از بر خورد با وی رنجش پیدا نمی‌کرد بلکه عموم طبقات تحت تأثیر جاذبه روحانی او قرار می‌گرفتند.<sup>۵</sup>

اندوخته‌های فراوان و بیکرانی از مطالعات، مسموعات، مشاهدات و تجربیات در خاطر و حافظه داشت که گاه و بیگاه و در هر فرصت و تداعی و مناسبتی در درس و غیره، مستمعین، تلامیذ و متشرفین به محضر خود را از آن خرمهای فیض و علم، بهره مند و برخوردار می‌ساخت. بسیار صبور، بردبار و راضی به قضا و قدر الهی بود. در دوران عمر پر بار خود به فقدان تعدادی از کسان و نزدیک ترین افرادش (از جمله فرزند سومش سید محمدتقی و در اواخر عمر به مرگ فرزند دومش سید جعفر) مبتلا شد که با کوهی از منانت و وقار و خویشتن داری با این مصائب بر خورد نمود و جز با گریه‌ای آرام آن هم توأم با ذکر مصیبت حضرت علی اکبر - ع - عکس العملی از خود نشان نداد.

استاد سید علی شفیعی درباره سجایای اخلاقی ایشان نوشته‌اند:

در نهایت بساطت و سادگی زندگی می‌نمود، مطلقاً نسبت به مادیات و امور مربوط به آنها علاقه و توجهی از وی دیده نمی‌شد، زهد و وارستگی وی انصافاً درسی بزرگ و مؤثر

.....

۴ - از باب نمونه به کتابهای بیست پرسش و سی پرسش او که برای قشر متوسط جامعه نوشته شده است، نگاه کنید.

۵ - رک: شرح حال آیت الله بهبهانی...، ص ۱۰۳ - ۱۰۹ و ارمغان اصفهان، ص ۲۰ - ۴۵.

از پدری دلسوز و استادی جامع در حق فرزندان جسمی و معنوی خود بود. وقار و نزاکت و ادب وی، بسیار چشمگیر و محسوس بود؛ با همه، با کمال ادب و وقار برخورد می نمود و سخن می گفت و هیچ گاه از این اصل عدول نمی نمود. در موقع لزوم و ضرورت از قاطعیت و صراحت لجه - همراه با متانت و وزانت - فرو گذار نمی نمود روزی پدر و بسری به حضور وی آمدند، پسر مقدم بر پدر نشست، استاد به پسر فرمود: تو برخیز آنجا بنشین (و با دست خود جانب پایین دست پدر را به او نشان داد).

در جلسات عمومی (روزهای جمعه و اعیاد) که مردم به دیدارش می شتافتند کتابی مانند مجموعه ورام و امثال آن از کتب اخلاق و حدیث برمی داشت و برای مردم می خواند و ترجمه می کرد و همه گوش فرا می دادند و تنها هنگامی که افراد جدید وارد می شدند ایشان جهت احترام آنان کتاب را می بست و از جای برمی خاست و در این موقع افراد قبلی دست بوسی و خدا حافظی نموده جای خود را به تازه واردین می دادند و معظم له مجدداً می نشست و به قرائت و ترجمه کتاب می پرداخت و بدین وسیله سوای آنکه همگان را مستفیض و بهره مند می کرد مجلس را از غفلت، سکوت، بطالت، غیبت و غیره به کلی پاک و منزّه نگه می داشت.

هیچ گاه نسبت به هیچکس کوچکترین غیبت و... از زبان و حرکات و اشاره حضرتش مشاهده و مسموع نگردید حتی یاد دارم روزی به طور خصوصی در باره فردی از روحانیان اهواز که داعیه فقاقت و اجتهاد داشت از استاد پرسیدم آیا فلانی مجتهد است؟ فقط فرمود: پیش من نه، به نظر من نه.

عملاً و لفظاً، حضوراً و غیاباً نسبت به روحانیون، تا چه رسد به مراجع و علما با عظمت و احترام و تجلیل و تقدیس برخورد می کرد یک روز درب خانه خودمان را باز کردم ناگاه دیدم استاد خود تنها و عصا زنان از مقابل منزل ما می گذرد، ضمن عرض سلام مقصدشان را پرسیدم، فرمود: «می خواهم خدمت آقای ... بروم» و نام یکی از روحانیون را برد که عمده از جهت پیرمردی و اصالت خانوادگی مورد تکریم بود.

به تشریفات معموله عصرش به کلی بی اعتنا بود؛ کراراً خود تنها بدون حضور هیچکس از فرزندان و یا همراهان و یا خادمش عصا را برمی داشت و به سوی مقصدی که وعده کرده بود راه می افتاد که احياناً خادمش خود را پس از مدت و مسافتی به وی



می‌رسانید.

تمام اخلاق و سجایا و خصایص شایسته با وجود او عجین بود و لذا به صورت طبیعی و ذاتی از وی بارز و ظاهر می‌گردید بدون ذره‌ای تصنع و تکلف، و این کاشف از آن بود که در اخلاقیات و خودسازی با عمری ریاضت خود را به مرتبه کمال رسانیده بود. هزینه زندگی مرحوم آیت الله بهبهانی در دوران تحصیل در نجف اشرف، از طرف عمویش مرحوم حاج سید مهدی مصطفوی پدر مرحوم آیت الله حاج سید فرج الله مصطفوی بهبهانی تأمین می‌شد.

هنگامی که مرحوم حاج سید مهدی مصطفوی مشکلات مالی پیدا می‌کند حدود شش ماه نمی‌تواند این مقرری را به ایشان برساند. حضرت آیت الله بهبهانی برای تأمین مخارجش تمام کتابهایش را گرو می‌گذارد که حدود ده تومان هم مقروض می‌شوند طلبکار برای وصول طلبش به کرات مراجعه و مطالبه می‌کند. از قرار معلوم يك شب مرحوم حاج باقر بوشهری مقیم کربلا که از تجار بهبهانی الاصل بود خوابی می‌بیند و به او در خواب گفته می‌شود که به مدرسه ... برو و بدهی آقای سید علی را بده ایشان صبح روز بعد به آن مدرسه آمده و با مرحوم آیت الله بهبهانی تماس گرفته و بعد از آگاهی از مشکلات ایشان تمام کتابها را از گرو خارج می‌نایند و بدهی ایشان را پرداخت و کمک مؤثری هم می‌کند و تا آخر عمر مرحوم حاج باقر بوشهری با آیت الله بهبهانی در عتبات، در ارتباط بودند.

### گوشه‌هایی از زهد و عبادت

نام مبارك پیامبر اسلام را همیشه همراه با ذکر صلوات و سلام به زبان می‌آورد همچنین نسبت به ائمه اطهار - ع - ابتداء به سلام از تقیدات او بود. سحر خیزی و شب زنده‌داری، تقید به نوافل و مستحبات، گریه‌های خالص و بیدریغ پای منبر خطبا به هنگام ذکر مصایب حضرت ابا عبدالله الحسین - ع - و ریزش قطرات مداوم اشک بر روی گونه‌ها از دیگر خصائص او بود. به اقامه جماعت درسه وقت نیاز اهتمام تام داشت و در این چند سال اخیر فریضه صبح را به جماعت در منزل خود اقامه می‌کرد که جماعتی از دور و نزدیک در آن سحر گاه جهت اقتدا به ایشان می‌شتافتند.

اوقات فراغ خود را به تلاوت قرآن می پرداخت. وی انسانی، زاهد، وارسته و آگاه و متخلّق به اخلاق الله بود که این اصول را با هیچ چیز دیگری معاوضه و مصالحه نمی کرد و تقوای الهی و اصول انسانی با وجود او سرشته و عجین گردیده بود.

## تالیفات

- ۱- مصباح الهدایة فی اثبات الولاية در شرح چهل حدیث که در «تفسیر چهل آیه در فضایل و مناقب اهل بیت»، وارد شده طبق آنچه علامه سید عباس کاشانی فرمودند، ایشان دو سوم این کتاب را در سفر نوشته اند.
- این کتاب اولین تألیف ایشان است که در سال ۱۳۶۴ ق از نگارش آن در کربلا فراغت یافته است؛ تا کنون دوبار به فارسی ترجمه شده: ترجمه اول به نام «مفتاح العناية فی ترجمة مصباح الهدایة» از سید محمد رضا شفیعی دزفولی و ترجمه دوم آن به دست آقای علی دوانی به نام فروغ هدایت انجام یافته است؛ اصل و ترجمه های آن چاپ شده است.
- ۲- الاشتقاق یا «کشف الاستار عن وجه الاسرار المودعة فی الروایة الشریفة»، درباره حدیث معروف ابو الاسود دثلی راجع به مبدأ علم نحو و ادبیات زبان عربی به نقل از علی - ع - به قطع رقمی و در ۱۷۱ ص، در سال ۱۳۸۱ ق در تهران چاپ شده است. مؤلف گنجینه دانشمندان پنداشته که موضوع این کتاب مبحث مشتق علم اصول است و نیز الاشتقاق و کشف الاستار را دو کتاب ذکر کرده که صحیح نیست.
- ۳- القواعد الكلية فیما یبتنی علیه کثیر من معضلات مسائل الفقه والاصول، ۲ ج، جلد اول در سال ۱۳۷۴ ق در ۲۸۷ صفحه و جلد دوم در سال ۱۳۸۰ ق در ۲۲۳ صفحه به قطع رقمی در تهران انتشار یافت و اخیراً نیز هر دو جلد آن در یک مجلد چاپ شده است.
- ۴- اساس النحو این کتاب به قطع وزیری در ۲۲۳ صفحه به سال ۱۳۸۵ ق در تهران انتشار یافته است. نویسنده در این کتاب پاره ای از اشتباهات دانشمندان علم نحو را روشن نموده و در آن نظریات تازه ای اظهار نموده اند.
- ۵- بیست پرسش و پاسخ آن (فارسی) به قطع وزیری در ۸۸ صفحه به سال ۱۳۹۰ ق در قم طبع و منتشر شد، این کتاب به نام فوائد هشتگانه در ۶۰ صفحه با تصحیح و پا ورقی استاد حسن مصطفوی چاپ شده بود و اخیراً نیز با مقدمه و تصحیح جناب آقای

علی دوانی چاپ شده است.

۶- سی پرسش و پاسخ آن درباره مسائل اعتقادی، این کتاب همان کتاب قبلی است به ضمیمه نه سؤال دیگر که در سال ۱۳۹۳ق در ۱۰۴ صفحه چاپ گردید. و اخیراً همراه کتاب شرح حال، آثار و افکار آیت الله بهبهانی، تجدید چاپ شده است.

۷- التوحید الفائق فی معرفة الخالق این کتاب به قطع رقمی در ۲۶ ص، در خرم آباد به سال ۱۳۸۴ق منتشر گردید، سپس به ضمیمه کتاب التوحید مرحوم آیت الله شیخ هادی تهرانی که به خواست معظم له چاپ شده بود، تجدید چاپ شد.

۸- حاشیه عروة الوثقی، ۱۲۰ ص در قم به سال ۱۳۹۰ق چاپ و منتشر گردید.

۹- حاشیه وسیلة النجاة در سال ۱۳۹۴هـ در حاشیه وسیلة النجاة آیت الله آقا

سید ابو الحسن اصفهانی در تهران به طبع رسیده است.

۱۰- جامع المسائل، این رساله بزرگ عملیه که از جامعترین رساله‌های عملیه به

زبان فارسی است حدود ۷۰۰ مسئله بیش از توضیح المسائل مرحوم آیت الله بروجردی دارد و در ۵۲۰ صفحه به قطع وزیری در قم به چاپ رسیده است.

۱۱- رساله عملیه دیگر که در تهران چاپ شده است.

۱۲- حاشیه توضیح المسائل

۱۳- هدایة الحاج در مناسک حج به فارسی، چاپ پنجم آن در سال ۱۳۹۵ در

اصفهان انجام شد.

۱۴- مقالات حول مباحث الالفاظ در علم اصول فقه. جلد اول آن در سال

۱۳۳۵ش در تهران چاپ شد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۵- تقریرات اساتید خود.

۱۶- چهل پرسش و پاسخ آن که اخیراً به وسیله آقای علی دوانی به نام مباحثی

در معارف اسلامی تنظیم و تحریر شده و به چاپ رسیده است.

علاوه بر کتابهای یاد شده چندین کتاب نیز از آثار علمای گذشته به دستور مرحوم

بهبهانی طبع گردیده است<sup>۶</sup>.

.....  
۶- رك: ارمغان اصفهان. ص ۵۳ و ۵۴.

## سابقه مبارزاتی آیت الله بهبهانی

در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ شمسی رژیم منحوس پهلوی تصمیم گرفت در شهرها انجمنهایی به نام انجمن ایالتی و ولایتی ایجاد نماید که روحانیون به خاطر مسائل خلاف شرعی که در آن گنجانیده شده بود با این اقدام دولت به شدت مخالفت نمودند و از طرف مراجع قم و حضرت امام - قده - و علمای طراز اول کشور، اعلامیه‌هایی صادر شد و اقدامهایی در مخالفت با این طرح صورت گرفت.

حضرت آیت الله بهبهانی که از مراجع شیعه به شمار می‌رفتند و در اهواز سکونت داشتند در این باره اعلامیه‌هایی صادر نمودند. بعد از مدتها که مبارزات روحانیون و مردم اوج گرفت، رژیم در يك عقب نشینی، طرح انجمنهای ایالتی و ولایتی را مسکوت گذاشت و در دوم فروردین ماه سال ۱۳۴۲ (مطابق با ۲۵ شوال، سالروز شهادت امام صادق - ع -) رژیم به مدرسه فیضیه حمله کرد و در حضور حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی - مد ظله العالی - در فیضیه، با اهانت به طلاب، عده‌ای از آنان را شهید و مجروح نمود. مجدداً اعلامیه‌های زیادی صادر گردید و آیت الله بهبهانی هم در این مورد اقدامهایی نموده و به این عمل اعتراض کردند و این جریانات منجر به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری حضرت امام گردید که در این موقع حضرت آیت الله بهبهانی جهت پیوستن به روحانیون کشور و مراجعی که در تهران اجتماع نموده بودند به تهران تشریف بردند و چون مورد احترام خاص مراجع و روحانیون بودند جلسات زیادی از طرف مراجع و آقایان علما در منزل محل سکونت ایشان تشکیل می‌شد. حضرت آیت الله پسندیده برادر حضرت امام اخیراً در مجله پاسدار اسلام به جلساتی که در حضور آیت الله بهبهانی در محل سکونت ایشان تشکیل می‌شد اشاراتی داشته و فرموده اند:

بنده کاملاً به خاطر دارم، ساواک به منزل محل سکونت ایشان مأمورینی فرستاد و ایشان را به خروج از تهران ملزم نمود که با مداخله بعضی از علما، مأمورین از منزل ایشان خارج شدند ولی بعد از چند روز، چون حضور آیت الله بهبهانی در تهران برای دستگاه گران و خطرناک بود دستگاه می‌خواست ایشان را به ترك تهران و ادار نماید ولی اقدامات ایشان و سایر مراجع و روحانیون و تأیید عمومی مردم مانع از آن کار شد بلکه

---

منجر به آزادی حضرت امام گردید، به محض آزادی حضرت امام آیت الله بهبهانی مجدداً برای ملاقات معظم له به تهران تشریف بردند که بسیار مورد احترام حضرت امام قرار گرفتند.

آیت الله بهبهانی - در ایام اسارت امام به دست رژیم - اعلامیه بسیار شدیدی علیه دستگاه صادر کردند و در آن اعلامیه مرجعیت مسلم حضرت امام را اعلام نموده و از ایشان به آیت الله العظمی تعبیر کردند، که بسیار مورد توجه روحانیون کشور قرار گرفت.

در تابستان ۱۳۴۳ حضرت آیت الله بهبهانی به قم مشرف شدند، محلی برای سکونت ایشان تهیه شده بود و به آن محل وارد شدند ولی حضرت امام ایشان و همراهان را به بیت شریف خود دعوت نمودند و مدت ده روز مهمان حضرت امام بودند. آن مرحوم بسیار مورد احترام امام بودند مثلاً امام با تعبیر اب الفقهاء و شیخ العلماء از ایشان نام می بردند. در تمام دوران مبارزات تا آذر ماه سال ۱۳۵۴ که وفات یافتند در مواقع لزوم از انجام اقدامات لازم در جهت مبارزه کوتاهی نکردند. در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل اعلامیه بسیار شدیدی علیه اسرائیل و آمریکا و انگلیس صادر و معامله با اسرائیل و کلاً معامله با یهود را تحریم نمودند. این اعلامیه منجر به حضور مأمورین ساواک در منزل ایشان در اصفهان و بردنشان به ساواک برای بازداشت و اقدامات بعدی شد که بلا فاصله وضع شهر اصفهان بسیار متشنج گردید که بعد از چند ساعت ایشان آزاد شد ولی فرزند ارشد معظم له مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالله مجتهد زاده در خوزستان بازداشت شده و چندین هفته در زندان رژیم محبوس بود.

موقعی که رژیم، گوشت منجمد باذبح غیر اسلامی از خارج وارد می کرد حضرت آیت الله بهبهانی حکم به تحریم می دهند که در نتیجه، امکان توزیع این گوشت برای دولت در خوزستان به وجود نمی آید.

خلاصه حضرت آیت الله بهبهانی در تمام مراحل مبارزات پیشقدم بوده اند مخصوصاً در نهضت روحانیت کاملاً حامی نهضت بوده و از تقویت حضرت امام مضایقه نداشته اند حتی موقعی که رژیم چاپ رساله حضرت امام را منع کرده بود، ایشان اجازه دادند رساله حضرت امام به نام «جامع المسائل آیت الله بهبهانی» چاپ شود یعنی روی جلد نام رساله ایشان و نامشان ولی صفحات داخلی، رساله حضرت امام باشد و حتی به مقلدین خود اجازه داده بودند که وجوهات شرعی خود را برای حضرت امام بفرستند

---

---

ومی فرمودند آقای خمینی بیش از من به این وجوهات احتیاج دارند.  
در اینجا، دو نمونه از اعلامیه‌های معظم له را که دانشمند محترم جناب آقای سید  
مصلح الدین مهدوی در اختیار ما گذاشته‌اند، ملاحظه می‌کنید:  
ملت ایران، مردم خوزستان

مردم غیور مسلمان، هنوز جنایات پانزدهم خرداد و حبس عده‌ای از  
علما و دانشمندان را فراموش نکرده‌اند که خبر تأثرانگیز تبعید حضرت آیت  
الله آقای خمینی دامت برکاته را شنیدند. شما ملت شریف استحضار دارید  
که دولت ایران با یک مرجع تقلید که مصونیت قانونی دارد چه رفتاری نموده.  
آری در ایران هر کس حق بگوید باید مورد مؤاخذة و تعقیب دستگاه‌های  
انتظامی قرار گیرد. مگر آیت الله خمینی چه عملی انجام داد جز اینکه  
می‌خواسته است از حریم مقدس دین پشتیبانی نماید؛ دست استعمار را  
کوتاه کند، مانع نفوذ بیگانگان در کشور شود؛ ملت ایران را از خطری که  
به سوی آنها روی آورده، آگاه سازد.

دنیا بداند که هدف ایشان، هدف تمام روحانیت ایران بلکه روحانیت  
شیعه و اسلام است خواسته ایشان خواسته تمام روحانیون است. دولت باید  
به نصایح روحانیین توجه کند و در مقام اجرای دستورات دین مبین اسلام بر  
آید و به اعمال ننگین و برخلاف اصول انسانیت دست نزند. برای فقر  
و بدبختی مردم چاره‌ای بیاندیشد؛ برای بیکاران فکر کار نماید.

عجبا وکلای بی موکل به روحانیت اسائه ادب نموده و با کمال  
بیشرمی در مجلس، بیاناتی نموده‌اند که علاوه بر ملت ایران، موجب خشم  
و تنفر ملل مسلمان گردیده است و جرایم مزدور نیز با وقاحت هرچه تمامتر به  
حریم مقدس دین و روحانیت تجاوز نموده. بدبھی است ملت ایران در موقع  
مقتضی جواب این یاوه سراییها را خواهد داد. دولت ایران بداند که با تبعید  
و حبس و حصر، جامعه روحانیت از بیان حقایق خودداری نخواهد نمود و از  
اعمال خلاف قانون جلوگیری خواهد کرد و با پشتیبانی حضرت ولی عصر  
- عجل الله تعالی فرجه الشریف - به وظیفه خود عمل می‌نماید.

اهواز دهم رجب ۱۳۸۴، الاحقر علی الموسوی البهبهانی  
اعلامیه دیگر حضرت آیه الله بهبهانی که به مناسبت تجاوز اسرائیل غاصب

وامهریالیستهای خونخوار آمریکا وانگلیس به کشورهای اسلامی، صادر شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سورة آل عمران آیه ۱۳۹، ترجمه: ای مسلمانان مبدا سستی کنید و هرگز از این تهاجمات وحشت به خود راه ندهید که شما بردیگران برتر و پیروزید اگر مؤمن باشید). به حکم این آیه شریفه شرط اول تفوق و برتری مسلمین بر کفار مانند یهود، ایمان به خدا و رسول و قیامت و حقانیت دین مبین اسلام و عمل به احکام است و لازمه مسلمانی که عمل به احکام ننماید مغلوبیت است. اما عامل به دستورات دین نیستیم کفار بر ما مسلط خواهند بود و اگر مؤمن به خدا و رسول شدیم خود را به خطاب آیه: وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (سورة نساء، آیه ۱۰۴، ترجمه: ای مسلمانان پیکار با قوم کافر منشی یهود را دنبال کنید و در این هرگز سستی نورزید اگر شما در اثر حوادث روز احساس درد می کنید دشمنان اسلام نیز در اثر فشار جنگ به ستوه آمده مانند شما احساس نا راحتی می نمایند بعلاوه اینکه شما از خدای خود امیدها دارید که آنها ندارند و خدای متعال همیشه دانا و حکیم است) مخاطب می‌دانیم.

کسانی که مؤمن به حقانیت قرآن مجید هستند به حکم آیه شریفه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (سورة مائده، آیه ۵۱، ترجمه: ای مسلمین با عناصر ناپاک یهود و نصارا طرح دوستی نیاندازید و هرگز کار خود را به آنان نسپارید، در صورتی که آنان باید بر عناصری مانند خود ولایت داشته سرپرستی کنند و هرکس از شما یهودیان و مسیحیان را دوست خود گیرد او هم از آنان است و خدای متعال ستمگران را هدایت نخواهد کرد) باید از هر گونه ارتباط با اسرائیل و عمال آن (یهودیان) خودداری کنند.

بر قاطبه مسلمین لازم است، الفت و دوستی و معامله و معاشرت با کفار و خاصه اسرائیلی ها که جوانان و افراد مسلمین را به خاک و خون کشیده و با

اشغال متجاوزانه شهرهای مسلمین، اعراض ونوامیس آنان را هتک می‌کنند  
بکلی ترك واز این راه وهم از طریق کمک واعانت به آسیب دیدگان مسلمین  
به هر نحو مقدوره، انزجار خود را علیه اسرائیل و متجاوزین به حقوق اعلام دارند.  
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (سوره محمد، آیه ۷ ترجمه: ای مسلمین  
اگر خدا را یاری کنید او نیز شما را یاری خواهد کرد و قدمهایتان را در فعالیت‌های  
اجتماعی استوار می‌سازد.)

الاحقر علی الموسوی البهبهانی، اصفهان ۲۸ ربیع الاول ۱۳۸۷

هجری اسلامی

گروهی از کسانی از آیت الله بهبهانی اجازه روایی دارند

آقایان: سید محمد علی روضاتی؛ سید عباس حسینی کاشانی؛ سید علی شفیعی  
فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا؛ حاج شیخ علی دوانی، مرحوم آیت الله حاج شیخ ابو  
الحسن انصاری دزفولی و مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا شفیعی  
(م ۱۳۸۴ق).

### شاگردان

مرحوم بهبهانی بیش از نیم قرن مسند تدریس داشته اند و در این مدت شاگردان  
فراوانی در شهرهای مختلف بهبهان، را مهر مز، کربلا، نجف، اهواز و اصفهان از محضر  
درسشان بهره برده اند که در اینجا به نام برخی از آنان اشاره می‌کنیم:  
حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید محمد رضا شفیعی دزفولی صاحب  
تألیفاتی از جمله ترجمه کتاب مصباح الهدایه، تقریرات استادش (شامل بعضی از  
مباحث قطع)، اتمام الحجّه، تنزیه سید الانبیاء و فضایح الصوفیه . علامه سید عباس  
حسینی کاشانی مؤلف کتب بسیار از جمله: حدائق الانس، منهاج الجنان و احسن الجزاء  
و... جواد تارا استاد دانشگاه تهران مؤلف اساس زندگی یا تدبیر منزل در دو جلد،  
خداشناسی یا رشد حکمت در اسلام، صفات کدبانوی خانه، علم کلام جدید یا چهار  
مقاله). حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ یدالله پورهادی (امام جمعه موقت دزفول).  
حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی شفیعی که از یادداشتها یشان در این شرح حال



بهره فراوان گرفتیم. ایشان تقریرات بحثهای استادش را نگاشته و مورد توجه شدیدش قرار گرفته است. مرحوم حجة الاسلام شیخ ناصر حمادی (مؤلف کتابهایی چون صفایا العقول فی علم الاصول، مرآت الواقع و... م ۱۴۰۰ ق هـ). آیت الله سید رضا امامی سدهی. مرحوم آیت الله حاج سید فرج الله مصطفوی داماد جلیل ایشان و صاحب تألیفات. حجة الاسلام سید عبدالرسول مصطفوی بهبهانی (نواده دختری ایشان). مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا فرزند شیخ محمدتقی جرقویه ای اصفهانی حائری - از شاگردان کربلا - (م ۱۳۹۳). آقای حاج سید ابو تراب مرتضوی درجه ای فرزند مرحوم آیت الله آقا سید مهدی درجه ای. حاج سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای فرزند مرحوم آقا سید حسن موسوی؛ مشارالیه که دارای تألیفاتی نیز هستند اغلب در جلسات استفتاء استاد شرکت داشته اند. حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند حجة الاسلام حاج شیخ محمد رضا کلباسی. حاج شیخ محمد حسن مظاهری کرونوی فرزند مرحوم آقا شیخ علی؛ استاد بر حسب دعوت ایشان به اصفهان آمد. مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ ابو القاسم مروّج یزدی. حاج میر سید محمد ابطحی که در جلسه استفتای استاد شرکت می کردند. حجة الاسلام حاج سید محمد حسین فقیه. حجة الاسلام حاج شیخ علی محمد ابن العلم مؤلف «منتخبات ابن العلم». حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد کاظم آل طیب. آیت الله حاج سید علی علامه فانی که اوائل ورود به نجف مدت کمی از استاد بهره مند شد. حجة الاسلام حاج سید محمد بن سید نعمت الله جزایری صاحب تألیفات از جمله نابغه فقه و حدیث (در شرح حال جد بزرگوارشان سید نعمت الله جزایری)، تذکره شوشتر، شجره نوریه. حجة الاسلام والمسلمین حاج سید اسماعیل فرزند سید احمد مرعشی صاحب تألیفات. فرزندان استاد.<sup>۷</sup>

#### آثار خیریه

۱- دار العلم آیت الله بهبهانی در اهواز، این مدرسه علمی در زمینی به مساحت بیش از دو هزار متر مربع و مجهز به تمام وسائل لازم است. دارای چهل و شش حجره،

۷- اسامی بقیه شاگردان ایشان را در کتاب ارمغان اصفهان ببینید.

نه سالن تدریس، مسجد، آشپزخانه و سالن غذا خوری و رخت شویی و حمام که در روز نیمه شعبان سال ۱۳۸۷ ق افتتاح گردید:

۲- کتابخانه دار العلم؛

۳- ساختمان و تعمیر تعدادی مسجد و حسینیه در شهر اهواز و حومه؛

۴- ساختمان حدود چهل مسجد در کهگیلویه و بویراحمد؛

۵- تأسیس مدرسه علمیه «یاسوج» مرکز کهگیلویه و بویراحمد در زمینی به

مساحت پنج هزار متر مربع؛

۶- ساختمان مسجدی در جنب مدرسه علمیه یاسوج در همان زمین؛

۷- ساختمان خانه برای امام جماعت و مدرس مدرسه علمیه یاسوج در همان زمین؛

۸- ساختمان منازل بسیاری برای اهل علم و کمک به کسانی که در سال ۱۳۸۱ ق

خانه‌هایشان در اثر سیل ویران شده بود؛

۹- تأسیس دبستان و دبیرستان دخترانه اسلامی اهواز؛

۱۰- مؤسسه تبلیغاتی آیت الله بهبهانی؛

۱۱- مسجد المهدی (ع) در منطقه هزار جریب اصفهان که روز عید فطر سال

۱۳۹۲ ق کلنگ آن به دست توانای ایشان زده شد؛

۱۲- مسجد الرضا (ع) در دروازه شیراز همان شهر؛

۱۳- مسجدی در شهرک شاهین شهر اصفهان؛

۱۴- مسجد و حمام در کنگاز از محلات خراسکان اصفهان؛

۱۵- درمانگاه حجتیه - در خیابان سروش اصفهان؛

۱۶- رادیولوژی مهدیه در محله احمد آباد اصفهان؛

۱۷- مسجد حجت در قریه هاردنگ از قرای لنجان علیا؛

۱۸- کمک به ساختمان خانه‌های آسیب دیدگان سیل قریه «اشن».

## فرزندان

آیت الله بهبهانی دار ای پنج پسر و سه دختر بودند:

۱- سید مهدی، ۲- سید رضا، ۳- مرحوم حجت الاسلام حاج سید عبدالله مجتهد

زاده که به جای آیت الله بهبهانی نماز می خواند و کلیه امور مدرسه دار العلم اهواز را به

عده داشت. ۴- مرحوم حجة الاسلام آقا سید جعفر مجتهد زاده که سال ۱۳۹۴ ق درگذشت و در دارالعلم اهواز به خاک سپرده شد. ۵- مرحوم حجت الاسلام آقا سید محمدتقی مجتهد زاده متوفای سال ۱۳۸۶ ق. ۶- همسر حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید فرج الله مصطفوی بهبهانی. ۷- همسر حجت الاسلام آقای حاج سید محمد کاظم. ۸- همسر آقای آقا سید ابو طالب موسویان بهبهانی.

### وفات ومدفن

سر انجام به واسطه بیماری وکھولت سن در شب ۱۸ ذی القعدة سال ۱۳۹۵ ق در بیمارستان اهواز چشم از جهان برپست و به سرای باقی شتافت؛ در تشییع او قریب به یکصد هزار نفر از مردم شهرهای مختلف شرکت کرده بودند و باعزت و احترام فراوان به دارالعلم حمل و طبق وصیت در آنجا به خاک سپرده شد. در رحلت ایشان شعرای بسیاری به مرثیه سرائی پرداختند، در ذیل به مرثیه ای که آقای حاج سید مجتبی کیوان سروده است اشاره می کنیم:

بهبهانی آیت الله کبیر	آسمان فضل را مهر منیر
منبع علم و عمل، کانون فیض	آیتی از رحمت حقّ قدیر
طبع او شمع هدایت را فروغ	جان او اصل فضیلت را ضمیر
صحبتش در لطف و معنی بی بدیل	حضرتش در زهد و تقوی بی نظیر
منطقش در محضر افتاء و درس	شامل و فیاض چون ابر مطیر
فاضل و کامل، شکیبا و صبور	عالم و عادل، توانا و بصیر
خوشه چین خرمن فضلش مدام	از وجود عالمان جمعی کثیر
شاهراه مصطفی و مرتضی	کرد طی هشتاد سال او این مسیر
هم زدست افکنندگان را پایمرد	هم زیبا افتادگان را دستگیر
روح پاکش چون هوای دوست کرد	سال تاریخش چنین گفت این حقیر
سید بارع علی الموسوی	بهبهانی آیت الله الکبیر ۱۳۹۵ هـ



## مآخذ

در این مقاله علاوه بر مدارك زیر از اظهارات نوشته‌های آقایان: استاد علی شفیعی، احمد بهاء الدینی و علامه سید عباس کاشانی نیز استفاده شده است  
آثار الحجّه، ج ۲.

ارمغان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی. و نیز اعلامیه هایی که ایشان در اختیار گذاشتند.  
بیست پرسش و پاسخ آنها (مقدمه).

دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج ۳.

شاهراه هدایت؛ شرح حال، آثار و افکار آیت الله بهبهانی، علی دوانی.

علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی.

فروغ هدایت؛ گنجینه دانشمندان، ج ۳ و ۵.

مجله مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۲.

مستدرک اعیان الشیعه

مصباح الهدایه (مقدمه).

معجم رجال الفكر والادب فی النجف خلال الف عام.

بقیه از صفحه ۲۵

همه اینها برخی از آیات آن بعضی دیگر  
را تفسیر می کند، چنانکه امیرالمؤمنین (ع)  
می فرماید: **وَتَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَتَشْهَدُ بَعْضُهُ  
عَلَى بَعْضٍ...** ۳۸ اعجاز قرآن در کلیه ابعادش  
روشن و ثابت می شود.

.....

۳۷- سوره نساء (۴): ۸۲.

۳۸- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

عِنْدَ قَبْرِ اللَّهِ لَوْ جَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ۳۷

پس نتیجه می گیریم با در نظر  
گرفتن اینکه بلاغت قرآن کریم در حدی  
است که از مراحل عادی پا فراتر نهاده و  
کسی نمی تواند به پای آن برسد و با توجه  
به تحدی و مبارزه طلبی قرآن و عجز  
و ناتوانی مخالفین و کفار از مبارزه با آن  
و اینکه هیچ گونه اختلاف، و نابسامانی  
و ناهماهنگی در آن راه ندارد و بالاتر از

## عطف بر نقطه عطف

پرتوی از پندنامه حضرت امام رضوان الله علیه که به نام «نقطه عطف» انتشار یافته است.

آیه های حضور، یکجا بین  
رمز " مایسپرون " هویدا بین  
همه الواح را به یکجا بین  
پسرم ، راه ورسم دنیا بین  
گل امروز، خار فردا بین  
همه سرمایه ها به یغما بین  
خوشر از روزگار دارا بین  
بت شکن را به عرش اعلا بین  
شیوه اولیاء والا بین  
زهوی ، تیره، چشم دانا بین  
اندرو حل هر ممنا بین  
سینه آباد، زاب تقوی بین  
به قفس، مرغک فریبا بین  
ورنه ، افتاده ، بوعلی ها بین  
دام ابلیس، زان مهیبا بین  
حاصل عمر آنکه بیبا بین  
عشق را بردرش حیار بین  
آخرین رهنمود بابا بین  
لعن حق ، بر تمام اعدا بین  
شفیعی مازندارنی

نامه ناب طور سینا بین  
نغمه " ن والقلم " بشنو  
به تمنای زلف دولت یار  
اندران ، پیر زنده یاد نوشت  
به جهان دل میند، فرزندانم  
ز رخ زرد باغ، در پاییز  
شام آرامش سبکباران  
عجب و خودخواهی و غرور بنه  
خدمت خلق را غنیمت دان  
گل آسودگی، خزان زهوس  
پسرم ، حشر را قرائت کن  
زارع و زرع و کشتزار خودی  
علم بی باده رهزن جان است  
" پای جوین " به عشق، مستحکم  
پسرم ، در پی مقام مگرد  
هنر و دانش و طهارت دل  
طاق آبروی دوست مامن جان  
حرمت مام و قوم و خویش بدار  
صلوات خدا بر احمد و آل